



پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوبه‌ها شیخ محمد صالح المنجد حفظه الله تعالى

موضوع:

احکام؛ نماز؛ نماز مسافر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پرسش

نویسنده: علی

تاریخ: ۱۳۹۶/۲/۱۸

احکام نماز مسافر چیست؟ چرا باید نماز را در مسافرت به صورت شکسته خواند؟ درست است که در صورت مسافرت به مکه نماز شکسته نخواهد بود؟

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۶/۲/۲۸

لطفاً به نکات زیر توجه فرمایید:

۱. خداوند **«الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ»** است و پیامبری که فرستاده **«رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»** است و دینی که نازل کرده **«الْحَنِيفِيَّةَ السَّمْحَةَ»** است و از این رو، تکلیف عبادی بندگان در سفر - هنگامی که از خانه و شهر خود دور هستند و دغدغه‌ها و نگرانی‌های خاصی دارند- را سبک کرده است تا برای آن‌ها عسر و حرجی پیش نیاید؛ چنانکه درباره‌ی نمازشان فرموده است: **«وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا»**؛^۱ «و هرگاه در زمین رهسپار شدید پس بر شما گناهی نیست که از نمازتان بکاهید اگر ترسیدید که کافران شما را به فتنه بیندازند» و فرموده است: **«فَأَقْرَهُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَىٰ وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَهُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ»**؛^۲ «پس هر چه از قرآن که میسر شد را بخوانید، دانست که از میان شما بیمارانی خواهند بود و دیگرانی که در زمین رهسپار می‌شوند تا از فضل پروردگارشان بجویند و دیگرانی که در راه خداوند می‌جنگند، پس هر چه از آن که میسر شد را بخوانید» و درباره‌ی غسل و وضویشان فرموده است: **«وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ**

۱. النساء / ۱۰۱

۲. المزمّل / ۲۰

أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا؛^۱ «و اگر بیمار یا در سفری بودید یا یکی از شما از قضاء حاجت آمد یا با زنان نزدیکی کردید پس آب نیافتید، پس با خاکی پاکیزه تیمم کنید» و درباره‌ی روزه‌ی شان فرموده است: «فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ»^۲؛ «پس هر کس از شما بیمار یا در سفری بود، پس به شماره از روزهایی دیگر (روزه بگیرد)». این‌ها تخفیف‌هایی از جانب خداوند است که سنت پیامبرش بر آن‌ها جاری شده «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا»^۳؛ «و هر کس از خداوند و پیامبرش اطاعت کند، به رستگاری بزرگی دست یافته است»، «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»^۴؛ «و هر کس از خداوند و پیامبرش اطاعت کند، او را به بهشت‌هایی در می‌آورد که از زیرشان نهرها جاری است، در آن جاویدان هستند و آن همانا رستگاری بزرگی است».

۲. از کتاب خداوند دانسته می‌شود که ملاک برخورداری از این تخفیف‌ها «ضرب فی الأرض» به معنای «سفر» است و آن مفهومی عرفی به معنای خروجی غیر معمول از شهر خود برای مدت یا مسافتی قابل توجه است. در اینکه تنها به چنین خروجی «سفر» گفته می‌شود میان عالمان مسلمان اختلافی نیست؛ با توجه به اینکه مسلماً خروجی معمول از شهر خود برای مدت یا مسافتی ناچیز، «سفر» محسوب نمی‌شود و عسر و حرج خاصی ندارد تا اقتضایی برای تخفیف داشته باشد، ولی در اینکه «مدت یا مسافت قابل توجه» چیست، میان عالمان مسلمان اختلاف نظر است. نظر علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی این است که خروج غیر معمول از شهر خود به مدت یک روز (بیاض یوم) «سفر» محسوب می‌شود و این نظر اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم^۵ و نظر برخی از صحابه مانند عبد الله بن عباس و عبد الله بن عمر است^۶، بلکه اوزاعی آن را نظر «عامة العلماء» دانسته است^۷. با این وصف، کسی که دست کم به مدت یک روز (طلوع تا غروب آفتاب) از شهر خود بیرون می‌رود، مسافر محسوب می‌شود و مکلف است که نماز خود را قصر و روزه‌ی خود را افطار کند، بل کسی که به قصد یک روز سفر از شهر خود بیرون می‌رود، مسافر است و می‌تواند به محض بیرون رفتن، نماز خود را قصر و روزه‌ی خود را افطار کند، ولی کسی که چنین قصدی ندارد، بل می‌خواهد یا احتمال می‌دهد که پیش از غروب آفتاب به شهر خود بازگردد یا به مقصد خود برسد، مسافر محسوب نمی‌شود و نمی‌تواند نماز خود را قصر

۱. النساء/ ۴۳

۲. البقرة/ ۱۸۴

۳. الأحزاب/ ۷۱

۴. النساء/ ۱۳

۵. الکافی للکلینی، ج ۴، ص ۱۲۹؛ من لایحضره الفقیه لابن بابویه، ج ۱، ص ۴۵۵؛ الإستبصار للطوسی، ج ۱، ص ۲۲۲

۶. مصنف عبد الرزاق، ج ۲، ص ۵۲۴؛ مصنف ابن ابي شيبة، ج ۲، ص ۳۳۳؛ السنن الكبرى للبيهقي، ج ۳، ص ۱۳۷

۷. الإستذکار لابن عبد البر، ج ۲، ص ۲۴۲

و روزهی خود را افطار کند؛ مگر اینکه به اندازهی یک روز راه (مسیره یوم) طی طریق کند و آن پیش از رواج وسائل نقلیهی جدید، ۸ فرسنگ معادل ۴۳ کیلومتر بود که کاروانها به طور معمول در روشنایی روز (بیاض یوم) طی می کردند تا با رسیدن شب در جایی منزل کنند، ولی هم اکنون که وسائل نقلیهی جدید رواج یافته، بسیار بیشتر است و شاید از ۱۱۰ فرسنگ معادل ۶۰۰ کیلومتر با احتساب سرعت متوسط در اتوبوس های بین شهری تجاوز کند. با این وصف، کسی که دست کم به مدت یک روز (بیاض یوم) یا مسافتی که معمولاً در یک روز پیموده می شود (مسیره یوم) طی طریق می کند، مکلف است که نماز خود را قصر و روزهی خود را افطار کند، اگر چه به سبب سرعت سیر، پیش از غروب آفتاب به شهر خود بازگردد یا به مقصد خود برسد؛ زیرا چنین کسی هر چند با لحاظ مدت خروجش مسافر محسوب نمی شود، با لحاظ مسافتی که پیموده است مسافر محسوب می شود؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ يَقُولُ: مَنْ حَرَجَ مِنْ مِصْرِهِ بِيَاضِ يَوْمٍ فَهُوَ مُسَافِرٌ، قُلْتُ: أَرَأَيْتَ إِنْ رَجَعَ إِلَى مِصْرِهِ قَبْلَ الْغُرُوبِ؟ قَالَ: لَا سَفَرَ أَقْلُ مِنْ بِيَاضِ يَوْمٍ فَإِنْ حَرَجَ بِقَصْدِ ذَلِكَ فَهُوَ مُسَافِرٌ، قُلْتُ: الرَّجُلُ يَذْهَبُ بِالطَّيَّارَةِ مِنَ الْمَشْرِقِ إِلَى الْمَغْرِبِ ثُمَّ يَرْجِعُ قَبْلَ الْغُرُوبِ، أَلَيْسَ هُوَ مُسَافِرًا؟ قَالَ: مَنْ حَرَجَ مِنْ مِصْرِهِ مَسِيرَةَ يَوْمٍ فَهُوَ مُسَافِرٌ، قُلْتُ: وَمَا مَسِيرَةُ يَوْمٍ؟ قَالَ: مَا يَسِيرُ فِيهِ أَهْلُ مِصْرِهِ، قُلْتُ: ثَمَانِيَةَ فَرَاسِخٍ؟ قَالَ: مَا يَسِيرُ فِيهِ أَهْلُ مِصْرِهِ»^۱؛ «شنیدم منصور می فرماید: هر کس از شهر خود یک روشنایی روز بیرون رود مسافر است، گفتم: اگر پیش از غروب به شهرش بازگردد چطور؟ فرمود: سفری کمتر از یک روشنایی روز نیست، پس اگر به قصد آن بیرون رود مسافر است، گفتم: (امروزه) یک کس با هواپیما از مشرق به مغرب می رود، سپس پیش از غروب باز می گردد، آیا او مسافر نیست؟ فرمود: هر کس از شهر خود به مقدار یک روز راه بیرون رود مسافر است، گفتم: یک روز راه چه مقدار است؟ فرمود: مقداری که اهل شهر او در آن سیر می کنند، گفتم: هشت فرسخ؟ فرمود: مقداری که اهل شهر او در آن سیر می کنند».

از اینجا دانسته می شود که ملاک تحقق «سفر»، مدت خروج از شهر است، نه مسافت آن، ولی مسافت پیموده شده در خارج شهر هرگاه به اندازه ای زیاد باشد که معمولاً در سفر پیموده می شود، «سفر» صدق می کند و مسافتی که معمولاً در سفر پیموده می شود، در زمان ها و مکان های مختلف متفاوت است و با مراجعه به عرف دانسته می شود. بنابراین، در زمان و مکانی که بیشتر سفرهای مردم با اسب و شتر انجام می شود، مسافتی که معمولاً در یک روز با اسب و شتر پیموده می شود ملاک است و در زمان و مکانی که بیشتر سفرهای مردم با اتوبوس و قطار انجام می شود،

۱. گفتار ۱۲۲، فقره ۱



مسافتی که معمولاً در یک روز با اتوبوس و قطار پیموده می شود ملاک است؛ هر چند تعیین دقیق این مسافت خالی از عسر و حرج نیست و از این رو، ضرورتی ندارد و تعیین تقریبی آن کافی است؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«سَأَلْتُ الْمَنْصُورَ عَنِ قَصْرِ الصَّلَاةِ، فَقَالَ: إِذَا كُنْتَ عَلَى سَفَرٍ فَقَصِّرْ، قُلْتُ: عَلَى أَيِّ سَفَرٍ؟ قَالَ: إِذَا سَافَرْتَ بِيَاضَ يَوْمٍ فَقَصِّرْ، قُلْتُ: فِي أَيِّ مَسَافَةٍ؟ قَالَ: إِذَا سَافَرْتَ مَسِيرَةَ يَوْمٍ فَقَصِّرْ، قُلْتُ: وَمَا مَسِيرَةُ يَوْمٍ؟ فَغَضِبَ وَقَالَ: وَاللَّهِ مَا خُصْتُمْ إِلَّا كَمَا خَاضَ بَنُو إِسْرَائِيلَ إِذْ قَالَ لَهُمْ مُوسَى إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقْرَةً»^۱؛ «از منصور درباره‌ی قصر کردن نماز پرسیدم، پس فرمود: هرگاه در سفری بودی قصر کن، گفتم: در چه سفری؟ فرمود: هرگاه به مدّت یک روشنایی روز سفر کردی قصر کن، گفتم: در چه مسافتی؟ فرمود: هرگاه به مسافت یک روز راه سفر کردی قصر کن، گفتم: مسافت یک روز راه چیست؟ پس به خشم آمد و فرمود: به خدا سوگند فرو نرفتید مگر چونان که بنی اسرائیل فرو رفتند هنگامی که موسی به آنان گفت خداوند شما را امر می کند که گاوی را ذبح کنید».

۳. برخورداری از تخفیف‌های شرعی در سفر برای کسی است که به قصد معصیت سفر نمی کند؛ چنانکه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی فرموده است: «لَيْسَ لِلظَّالِمِ قَصْرُ صَلَاةٍ وَلَا إِفْطَارٌ صَوْمٍ وَلَا اضْطِرَّازٌ فِي مَحْمَصَةٍ وَلَا كِدْبٌ فِي مَضْلَحَةٍ وَلَا تَقِيَّةٌ فِي خَيْفَةٍ»^۲؛ «برای ظالم نه شکستن نمازی و نه خوردن روزه‌ای (در سفر) و نه اضطراری در مخمصه و نه دروغی در مصلحت و نه تقیه‌ای در بیم است»؛ چراکه همه‌ی این رخصت‌ها از روی رحمت خداوند وضع شده اند و ظالمان مستحق رحمت خداوند نیستند؛ چنانکه فرموده است: «أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ»^۳؛ «آگاه باشید که لعنت خداوند بر ظالمان است». به علاوه، کسانی که سفر شغل آنان است، به نحوی که بیشتر ایام سال در حال رفت و آمد هستند، مسافر محسوب نمی شوند و تبعاً مکلف به قصر نماز و افطار روزه نیستند؛ مگر در راه هنگامی که برایشان عسر و حرجی دارد.

۴. بنا بر نظر اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم^۴ کسی که قصد اقامت ۱۰ روز در جایی را دارد، مسافر محسوب نمی شود و باید نماز خود را در آنجا کامل بخواند و روزه‌ی خود را بگیرد و این نظر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی است؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

۱. گفتار ۱۲۲، فقره‌ی ۲

۲. گفتار ۱۲۲، فقره‌ی ۴

۳. هود/ ۱۸

۴. مسائل علی بن جعفر، ص ۱۹۴؛ المحاسن للبرقی، ج ۲، ص ۳۷۲؛ قرب الإسناد للحمیری، ص ۲۳۰؛ الکافی للکلینی، ج ۴، ص ۱۳۳؛ من لا یحضره الفقیه لابن بابویه، ج ۱، ص ۴۳۷؛ الإستبصار للطوسی، ج ۱، ص ۲۳۷

«سَأَلْتُ الْمَنْصُورَ عَن قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: ﴿يَتَخَفَتُونَ بَيْنَهُمْ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا عَشْرًا﴾^۱، لِمَاذَا يُزْعَمُونَ أَنَّهُمْ لَمْ يَلْبِثُوا إِلَّا عَشْرًا؟! قَالَ: لِأَنَّ عَشْرَةَ أَيَّامٍ أَكْثَرَ السَّفَرِ يُقْصَرُ فِيهَا الصَّلَاةُ وَيُقْطَرُ فِيهَا الصَّوْمُ فَمَنْ زَادَ عَلَيْهَا فَهُوَ مُقِيمٌ فَيَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ كَانُوا مُسَافِرِينَ فِي الدُّنْيَا غَيْرَ مُقِيمِينَ! قُلْتُ: فَلِمَاذَا ﴿يَقُولُ أَمْثَلُهُمْ طَرِيقَةً إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا يَوْمًا﴾^۲؟! قَالَ: لِأَنَّهُ أَقَلُّ السَّفَرِ وَلَا يَكُونُ سَفَرًا أَقَلَّ مِنْ يَوْمٍ! قُلْتُ: اللَّهُ أَكْبَرُ! أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أُوتِيتَ الْحِكْمَةَ وَفُضِّلَ الْخِطَابُ»^۳؛

«از منصور درباره‌ی سخن خداوند بلندمرتبه پرسیدم که می‌فرماید: <گناه کاران در روز قیامت> میان یکدیگر نجوا می‌کنند که جز ده روز درنگ نکردید، چرا می‌پندارند که جز ده روز درنگ نکردند؟! فرمود: برای اینکه ده روز حداکثر سفر است، نماز در آن شکسته و روزه در آن افطار می‌شود، پس هر کس بر آن بیفزاید او مقیم است، پس آنان می‌پندارند که در دنیا مسافر بوده‌اند نه مقیم! گفتم: پس چرا <نیکوکارترین آنان می‌گویند که جز یک روز درنگ نکردید؟!> فرمود: برای اینکه یک روز حداقل سفر است و هیچ سفری کمتر از یک روز نیست! گفتم: الله اکبر! شهادت می‌دهم که به تو حکمت و گفتار فیصله‌کننده داده شده است».

همچنین، بنا بر نظر اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم^۴ کسی که بدون قصد اقامت، بیشتر از یک ماه در جایی می‌ماند، در حکم مقیم است و باید نماز خود را در آنجا کامل بخواند و روزه‌ی خود را بگیرد.

۵. بنا بر روایات متواتر اسلامی، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نماز خود را در مکه به قصر خواند و پس از او، ابو بکر نیز نماز خود را در مکه به قصر خواند و پس از او، عمر نیز نماز خود را در مکه به قصر خواند و پس از او، عثمان نیز نماز خود را در مکه به قصر خواند، تا آنکه پس از مدتی این کار را ترک کرد و نماز خود را در مکه کامل خواند و از این رو، مورد اعتراض شدید صحابه قرار گرفت^۵ و یکی از کسانی که به این سبب بر او اعتراض کردند علی بن ابی طالب بود^۶. با این وصف، نمی‌توان کامل خواندن نماز در مکه برای مسافر را سنت دانست، اگرچه روایاتی متعارض از اهل بیت درباره‌ی جواز آن رسیده است^۷.

۱. طه/۱۰۳

۲. طه/۱۰۴

۳. گفتار ۱۲۲، فقره‌ی ۳

۴. الکافی للکلینی، ج ۳، ص ۴۳۵؛ الإستبصار للطوسی، ج ۱، ص ۲۳۷

۵. بنگرید به: مسند ابی داود الطیالسی، ص ۱۱۵؛ مسند الشافعی، ص ۵۶؛ مصنف عبد الرزاق، ج ۲، ص ۵۱۶؛ مسند أحمد، ج ۱، ص ۳۷۸، ج ۲، ص ۱۶ و ۱۴۰، ج ۳، ص ۱۴۴، ج ۴، ص ۴۳۰؛ سنن الدارمی، ج ۱، ص ۳۵۴؛ صحیح البخاری، ج ۲، ص ۳۵؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۴۶؛ سنن ابی داود، ج ۱، ص ۴۳۸؛ سنن الترمذی، ج ۲، ص ۱۸۲؛ سنن النسائی، ج ۳، ص ۱۲۰.

۶. بنگرید به: تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۳۲۲؛ المحلی بالآثار لابن حزم، ج ۴، ص ۲۷۰.

۷. بنگرید به: الإستبصار للطوسی، ج ۲، ص ۳۳۱.



تعليقات
پرسش‌ها و پاسخ‌های فرعی

پرسش فرعی ۱ نویسنده: **صادق** تاریخ: **۱۳۹۶/۷/۱۰**

با تشکر از سایت بسیار مفید شما در متون فقهی بحث وطن مطرح شده است و اینکه چه جایی وطن محسوب می‌شود و چه جایی نه که بشود با رسیدن به آن نماز را کامل کرد. می‌خواستم بدانم نظر جناب آقای هاشمی خراسانی در این باره چیست؟
از توجه دفتر محترم ایشان سپاسگزارم

پاسخ به پرسش فرعی ۱ تاریخ: **۱۳۹۶/۷/۱۷**

وطن انسان، شهر یا روستایی است که عرفاً در آن ساکن محسوب می‌شود و به اصطلاح معروف، خانه و زندگی دارد و هنگامی که بیش از یک روز از آن بیرون می‌رود، گفته می‌شود که به سفر رفت. بنابراین، وطن انسان شهر یا روستای محل سکونت اوست، نه لزوماً شهر یا روستای محل تولد یا کار یا تحصیل یا سکونت والدینش و آن می‌تواند متعدّد باشد؛ هنگامی که در بیش از یک شهر یا روستا خانه دارد و گاهی در یکی و گاهی در دیگری به اندازه‌ای زندگی می‌کند که در هیچ کدام او را مسافر نمی‌دانند.
آری، در شهر یا روستایی که سکونت ندارد، اگر قصد اقامت ده روز یا بیشتر داشته باشد، در حکم ساکن محسوب می‌شود و باید نماز خود را کامل بخواند و روزه‌ی خود را بگیرد.

پرسش فرعی ۲ نویسنده: **ابو حسن الحسانی** تاریخ: **۱۳۹۷/۳/۷**

سلام بر شما بندگان خالص خداوند که روز و شبتان را صرف زمینه‌سازی برای مهدی علیه السلام می‌کنید.
آیا ممکن است معنای سفر مسیره یوم و خروج بیاض یوم و فرق بین آن دو را مفصل‌تر مطرح کنید و مثال دهید؟



پاسخ به پرسش فرعی ۲

تاریخ: ۱۳۹۷/۳/۱۱

بنا بر توضیحات فوق، حکم مسأله به بیان ساده این است که هرگاه کسی برای رسیدن به جایی بیرون از شهر یا روستای خود، به مدت یک روز (از طلوع تا غروب آفتاب یا معادل آن به ساعت) در راه باشد، مسافر محسوب می‌شود و باید نماز خود را بشکند و روزهی خود را افطار کند، ولی هرگاه کمتر از یک روز در راه باشد، به این معنا که پیش از غروب آفتاب به مقصد خود برسد یا به مسکن خود باز گردد، مسافر محسوب نمی‌شود و نباید نماز خود را بشکند و روزهی خود را افطار کند؛ مگر اینکه مسافتی را پیموده باشد که معمولاً در یک روز پیموده می‌شود و آن در یک برآورد تقریبی، برای کسی که پیاده یا با حیوان سفر می‌کند، دست کم ۴۳ کیلومتر و برای کسی که با وسایل نقلیه‌ی جدید سفر می‌کند، دست کم ۶۰۰ کیلومتر است؛ هر چند برای شکستن نماز و افطار روزه، سپری کردن این مدت یا پیمودن این مسافت لازم نیست، بلکه خروج از شهر یا روستای خود به قصد آن کافی است؛ زیرا کسی که به قصد سپری کردن این مدت یا پیمودن این مسافت از شهر یا روستای خود بیرون می‌رود، مسافر محسوب می‌شود و می‌تواند از تخفیف خداوند برای مسافری استفاده کند.

پرسش فرعی ۳

نویسنده: فرهاد گلستان

تاریخ: ۱۴۰۲/۹/۳۰

گاه تعریف سفر از نظر «عرف» منطبق بر تعریف سفر با محاسبه‌ی «مسیره یوم» نیست. در چنین حالتی چه باید کرد؟ آیا باید عرف را ملاک عمل قرار داد یا «مسیره یوم» را؟ فرض بفرمایید که کسی مسافتی ۳۰۰ یا ۴۰۰ کیلومتری را در نصف روز طی می‌کند و چند روز را در مکانی اقامت می‌کند؛ به طوری که عرفاً به «سفر» رفته و به وی «مسافر» گفته می‌شود و ویژگی‌های مسافری را دارد که مسافت یک روز کامل یا بیشتر را طی کرده است. این فرد اگرچه عرفاً مسافر است، ولی مسافت یا مدت معادل «مسیره یوم» یا «بیاض یوم» را طی نکرده است. در چنین حالتی چه باید بکند؟

پیش‌پیش از توجه و پاسخ شما سپاسگزاری می‌کنم.

پاسخ به پرسش فرعی ۲

تاریخ: ۱۴۰۲/۱۰/۱۴

هر چند سفر در اصل مفهومی عرفی است، ولی از آنجا که مردم درباره‌ی آن اختلاف می‌کنند و در تشخیص آن دچار مشکل می‌شوند، ملاکی شرعی برای آن تعیین شده و آن همانا روشنایی یک روز،

یا مسافتی است که معمولاً در روشنایی یک روز پیموده می‌شود. بنابراین، اگر خورشید در ساعت ۷ صبح طلوع و در ساعت ۵ عصر غروب می‌کند، ۱۰ ساعت حرکت از وطن خود به سوی جایی دیگر، یا مسافتی که معمولاً در ۱۰ ساعت پیموده می‌شود، سفر به شمار می‌رود و کمتر از آن، سفر به شمار نمی‌رود.

آری، روایات فراوانی از اهل بیت رسیده حاکی از آنکه نصف این مدت یا مسافت برای کسی که قصد برگشت به وطن خود را دارد کافی است؛ چراکه مجموع رفت و برگشت او، سفر را محقق می‌کند. بنابراین، کسی که با قصد برگشت، ۵ ساعت از وطن خود به سوی جایی دیگر بیرون می‌رود، یا مسافتی که معمولاً در ۵ ساعت پیموده می‌شود را پشت سر می‌گذارد، مسافر است، ولی برخی گفته‌اند که رفت و برگشت او باید در یک روز باشد؛ چراکه در غیر این صورت، روایات فراوانی که روشنایی یک روز یا مسافتی که معمولاً در روشنایی یک روز پیموده می‌شود را ملاک دانسته‌اند، بی‌معنا یا نیازمند به تأویل می‌شوند و این سخن درستی است و گواه آن روایت نزال بن سبرة است که می‌گوید: «إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ حَرَجَ إِلَى التُّخَيْلَةِ، فَصَلَّى بِهَا الظُّهْرَ وَالْعَصْرَ رَكَعَتَيْنِ، ثُمَّ رَجَعَ مِنْ يَوْمِهِ، فَقَالَ: أَرَدْتُ أَنْ أَعْلَمَكُمْ سُنَّةَ نَبِيِّكُمْ»؛^۱ «علی علیه السلام به تُخَیله (در نزدیکی کوفه) رفت، پس نماز ظهر و عصر را در آن دو رکعت گزارد، سپس در همان روز برگشت و فرمود: خواستم که سنت پیامبران را به شما بیاموزم» و روایت زرارة بن أعین که در آن آمده است: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِذَا أَتَى ذُبَابًا قَصَرَ، وَذُبَابٌ عَلَى بَرِيدٍ، وَإِنَّمَا فَعَلَ ذَلِكَ لِأَنَّهُ إِذَا رَجَعَ كَانَ سَفَرُهُ بَرِيدَيْنِ ثَمَانِيَةَ فَرَسِيخٍ»؛^۲ «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هرگاه به ذباب (کوهی در نزدیکی مدینه) می‌رفت، نماز خود را شکسته می‌گزارد و تا ذباب یک برید راه بود و این کار را می‌کرد چون وقتی بر می‌گشت، سفرش دو برید یعنی هشت فرسخ می‌شد» و ظاهر این است که در همان روز بر می‌گشت و روایت محمد بن مسلم که در آن آمده است: «إِنَّهُ إِذَا ذَهَبَ بَرِيدًا وَرَجَعَ بَرِيدًا شَغِلَ يَوْمَهُ»؛^۳ «هرگاه یک برید برود و یک برید برگردد، همه‌ی روزش را مشغول بوده است»؛ با توجه به اینکه ظاهر از آن، برگشت در همان روز است تا متصل به رفت باشد، نه برگشت در روزی دیگر که از رفت جدا شده و مانند سفر جدیدی است و روایت سلیمان بن حفص مروزی که در آن آمده است: «التَّقْصِيرُ فِي الصَّلَاةِ بَرِيدَانِ، أَوْ بَرِيدٍ ذَاهِبًا وَجَائِيًا»؛^۴ «شکستن نماز در دو برید، یا یک برید رفت و برگشت است»؛ با توجه به اینکه اگر مراد از برگشت، برگشت در همان روز نباشد، تعبیر به «دو برید، یا یک برید رفت و برگشت» بی‌معنا یا نیازمند به تأویل است؛ زیرا هر مسافری که یک برید می‌رود،

۱. مصنف ابن ابی شیبة، ج ۲، ص ۲۰۰؛ الأوسط فی السنن والإجماع والاختلاف لابن المنذر، ج ۴، ص ۳۵۰؛ المحلی بالآثار لابن حزم، ج ۳، ص ۱۹۷
 ۲. من لا یحضره الفقیه لابن بابویه، ج ۱، ص ۴۴۹
 ۳. تهذیب الأحکام للطوسی، ج ۴، ص ۲۲۴
 ۴. تهذیب الأحکام للطوسی، ج ۴، ص ۲۲۶

ناگزیر در همان روز یا روزی دیگر یک برید هم بر می‌گردد، مگر اینکه قصد برگشت نداشته باشد که کمتر پیش می‌آید، تا حدی که عنوان «مسافر» از او انصراف دارد؛ همچنانکه در مقصد مسافر محسوب نمی‌شود و باید نماز خود را کامل بخواند و روزه‌ی خود را بگیرد و روایت دیگری که در آن آمده است: «أَدْنَى السَّفَرِ الَّذِي تَقْصِرُ فِيهِ الصَّلَاةُ وَيُفْطِرُ فِيهِ الصَّائِمُ بَرِيدَانِ، وَإِنْ خَرَجَ إِلَى مَسَافَةٍ بَرِيدٍ وَاحِدٍ يَدْهَبُ وَيَزْجَعُ قَصْرًا وَأَفْطَرَ»؛ «نزدیک‌ترین سفری که نماز در آن شکسته و روزه در آن افطار می‌شود، دو برید است و اگر تا مسافت یک برید می‌رود و برمی‌گردد نیز می‌تواند شکسته بخواند و افطار کند»؛ با توجه به اینکه ظاهر از آن نیز رفت و برگشت در یک روز است که مشقت یک سفر کامل را دارد و تخفیف مقرر را اقتضا می‌کند، نه رفت در روزی و برگشت در روزی دیگر که به دلیل وجود فاصله و استراحت، مشقت یک سفر کامل را ندارد و تخفیف مقرر را اقتضا نمی‌کند.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مناصب‌ها و امور خراسانی
 مجلس شورای اسلامی ایران



۱. دعائم الإسلام لابن حیون، ج ۱، ص ۲۷۷

www.alkhorasani.com

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مناصب‌ها و امور خراسانی حفظه الله تعالى



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.